ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
یک شنبه • ۱۱ شهریور ۱۴۰۳
۲۷ صفر ۱۴۴۶ • اول سپتامبر ۲۰۲۴
شماره ۲۱۵۷۴
۲۷۹۳
زندگی سلام

در زندگی سلام امروز بخوانیم:

رژیم غذایی سالم برای هر دهه از زندگی ۲
پیاده‌روی چقدر به عمر ما اضافه می‌کند؟ ۲
اشتباهات والدین پس از اعلام نتایج کنکور ۳
۵ دلیل برای کنار نگذاشتن نامه‌نوشتن با دست ۳

گچ‌کار حرم که تحسین استاد فرشچیان را برانگیخت

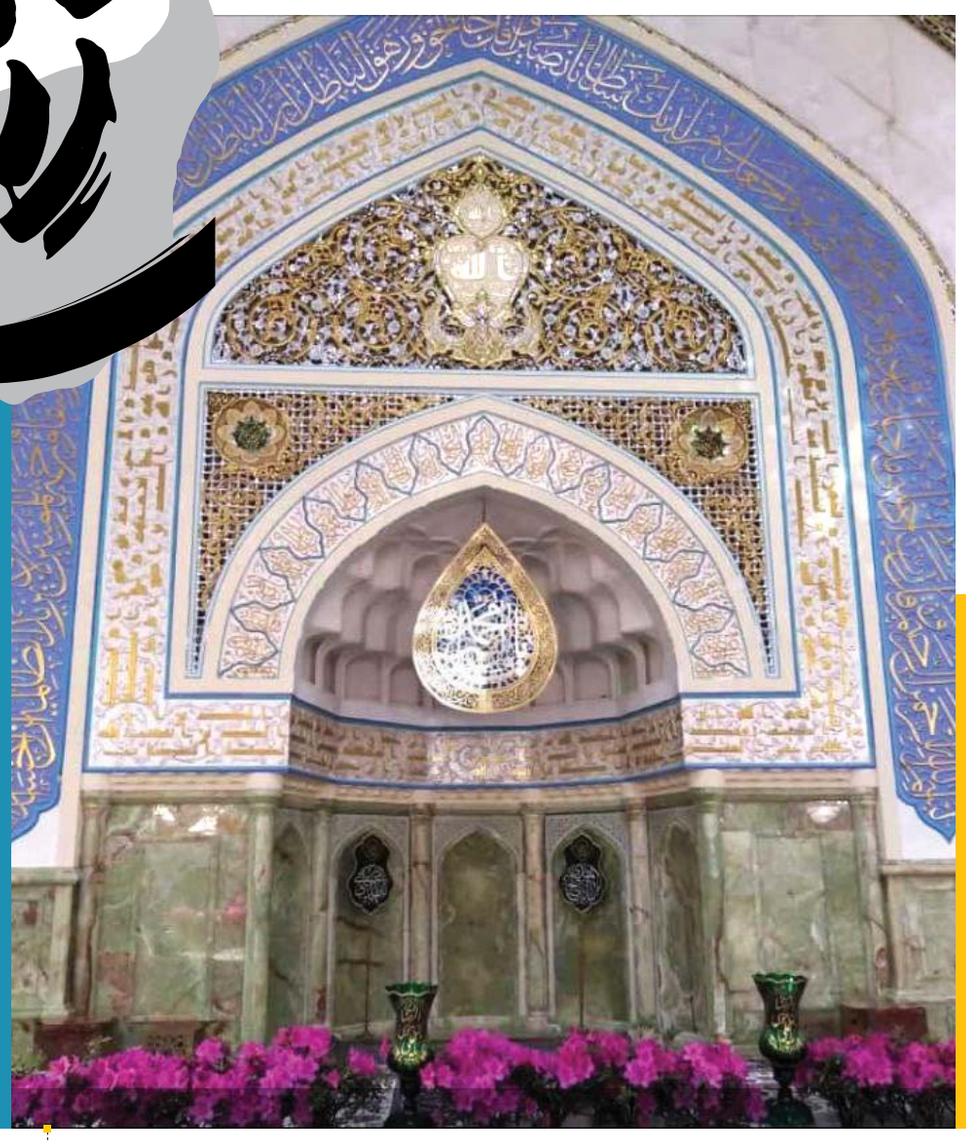

گفت‌وگو با «غلامعباس قائمی کریم‌آبادی» که بیش از ۵۲ سال در حرم امام رضا(ع) مشغول به خدمت است و گچ‌بری‌های دارالولایه، دارالحجه، صحن‌ها، سرداب مقدس و... ثمره هنرنمایی‌هایش هستند

مجید حسین زاده | روزنامه‌نگار

پرونده

یکی از پدیده‌های هنری در معماری بی‌همتای حرم ملکوتی حضرت رضا(ع)، هنر گچ‌بری است که در آراستگی بنای حرم مطهر به حد کمال و دلنوازی بسیار مؤثر بوده است. این تزیینات گچ‌بری در بناهای زیادی از جمله بقعه مطهر، رواق‌هایی همچون دارالسیاده، دارالرحمه، دارالهدایه، دارالحجه و... همچنین صحن‌ها، گنجینه قرآن، تالار تشریفات آستان قدس، سالن ورودی کتابخانه مرکزی و... چشم هر زائری را به خود جلب می‌کند. به سراغ یکی از گچ‌کارهای قدیمی حرم مطهر رضوی رفتیم که سال‌هاست در این حرفه مشغول خدمت به بارگاه رضوی است. در پرونده امروز زندگی سلام، «غلامعباس قائمی کریم‌آبادی» از یک عمر خدمت صادقانه و خالصانه‌اش به امام رضا(ع) و حرم مطهر رضوی روایت می‌کند. او خاطراتی از یک همکاری مشترک با استاد فرشچیان در طراحی ضریح جدید هم دارد که کمتر شنیده شده است.

از ۱۵ سالگی گچ‌کار حرم شدم

«متولد ۱۳۳۶ هستم. من از سال ۱۳۵۱ وارد حرم رضوی به‌عنوان گچ‌کار شدم یعنی از زمانی که ۱۵ ساله بودم». البته «کریم‌آبادی» در خانواده‌ای پرجمعیت به دنیا آمده و چون خانه‌شان از کودکی نزدیک حرم بوده، عادت داشته‌اند که هر صبح قبل از هر کاری به امام رضا(ع) سلام و عرض ادبی داشته باشند. خودش در این باره می‌گوید: «از همان کودکی می‌دانستم که ما هر چه داریم از امام رضا(ع) است، اصلاً همه وجودم از سلطان است. سال ۱۳۵۱، دوره ابتدایی‌ام که در مدرسه تمام شد، یک سال در مغازه عمویم کار کردم. آن موقع یک فامیلی در بخش آینه‌کاری حرم داشتیم که من را به مرحوم حاج صادق رفعتی معرفی کرد. او به من گفت چون سنم کم است، اداره بیمه از شروع به کار من در آن جا جلوگیری خواهد کرد. خلاصه من ۲ یا ۳ روز، مدام دنبال او بودم و پیگیری کردم و گفت حالا که اصرار داری، از فردا اسمت را می‌نویسیم ولی باید یک جایی برای کار بگذاریم که از دید کارشناس بیمه دور باشد. سه ماه به عنوان کارگر کنار دست نقاش و نجار کار کردم و بعد گچ‌کاری را فراگرفتم. البته در کارگاه‌هایی بودم که جلوی چشم اداره بیمه نباشم و از سال ۶۲ به صورت پیمانکار رسمی همکاری‌ام را با حرم ادامه دادم».

یک سال تلاش کردم تا کار را کامل یاد بگیرم

این گچ‌کار قدیمی حرم درباره روزهای اولی که در این بارگاه ملکوتی مشغول به خدمت شده است، می‌گوید: «آن زمان که من تازه وارد این کار شده بودم، مثل الان نبود که گچ آماده کار در بازار باشد. آن موقع، کارمان خیلی سخت بود و باید زحمت زیادی می‌کشیدیم. مثلا گچ را باید چندین بار الک می‌کردیم چون درشت بود. تازه بعد از چندین بار الک، برای گچ‌اندازی و برش گل و... قابل استفاده می‌شد. من بیش از یک سال تلاش کردم تا این کار را به طور کامل یاد بگیرم. تا قبل از آن، به من اجازه نمی‌دادند که در کارهای هنری حرم رضوی دست به قلم شوم و گچ‌بری انجام دهم اما وقتی تلاش و پشتکار من را دیدند، گچ‌بری‌های جاهای مختلف حرم را به من سپردند».

ظهرها به‌جای استراحت با گچ تمرین می‌کردم

«من خیلی به کارم علاقه داشتم. این که یک نفر بتواند در حرم رضوی، آثاری از خودش به جا بگذارد که تا سال‌ها یا حتی قرن‌ها ماندگار شود، اتفاق خوب و دستاورد بسیار بزرگی است که من تلاش می‌کنم، قدر آن را بدانم. بنابراین من هم به این کار علاقه زیادی داشتم و هم تا می‌توانستم، می‌خواستم در این کار بهترین باشم». «کریم‌آبادی» با این مقدمه می‌افزاید: «آن اوایل که در گچ‌کاری تازه کار بودم، حتی وقتی ظهرها، همه کارشان را تعطیل می‌کردند تا چند دقیقه‌ای استراحت کنند، من گچ درست کرده و با ابزار شروع به تمرین می‌کردم. وقتی استادم این علاقه، پشتکار و تمرینات من را دید، اجازه اجرای کار هنری را به من داد و سپس کم کم، مهارت بیشتری در این کار به دست آوردم».

طرح‌هایم از دل برمی‌آید

او درباره طرح‌هایی که تا امروز در گچ‌بری حرم کار کرده و از خودش به یادگار خواهد گذاشت، می‌گوید: «سه ماه اولی که وارد حرم شدم، در کار پولیستر کاری، نقاشی، نجاری و... من را گذاشتند. بعدش رفتم در بخش گچ‌بری. ابتدا هم در گنجینه قرآن کار کردم. وقتی شروع به کار کردم، طرح‌های ابتکاری می‌کشیدم و پیشنهاد می‌دادم. همه طرح‌هایم این‌طور بود که از دل بیرون می‌آمد. درست است که هر کسی یک طرحی در ذهنش دارد، بر اساس سلیقه‌اش و... ولی از نظر من، این کار به خصوص در حرم رضوی، تمامش کار دل است. اگر طرحی از دل برآید، بر دل هم می‌نشیند و مورد استقبال همه وزائران قرار می‌گیرد».

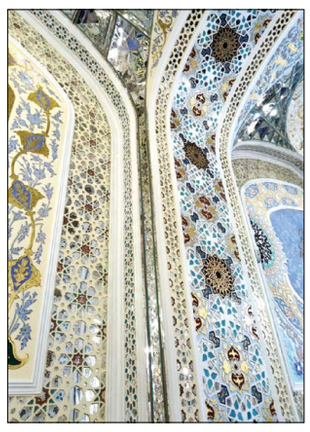

گچ‌بری‌های دارالولایه، کار من است

از او درباره این که تا امروز در چه بخش‌هایی از حرم گچ‌بری کرده است، می‌پرسم که می‌گوید: «زیاد در حرم کار کردم. تمام کارهای گچ‌بری دارالولایه، کار دست من است که سال ۷۴ انجام دادم. در قسمت محراب آن جا، کارهای آجری شده که روی آن گچ‌بری است. کل کار اسلیمی است که آن هم با گچ کار شده و سپس روی آن آینه کاری شده است. خط معرق با مس هم کار شده که روی آن حالت طلا دارد و کار سنتی و قشنگی است. همچنین حدود ۶۵ یا ۷۰ درصد گچ‌بری رواق امام خمینی(ره) را هم من انجام دادم. کارهای گچ‌بری و مشبک محراب آن جا را کامل خودم انجام دادم. این را هم باید بگویم که گچ‌بری هر جایی، طرح خودش را دارد؛ بنابراین این کار در رواق‌های مختلف با صحن‌ها، بناهای دیگر در حرم و... تفاوت دارد. مثلاً قسمتی که مختص مراسم عقد جوان‌هاست، طراحی آن درخت سیب و انار است که وسطش آینه کُپ است که مختص همان جاست. آیه‌هایی هم که برای آن جا انتخاب شده در رابطه با ازدواج است. در دارالحجه گچ‌بری‌هایی داریم که زیر آن آینه کُپ (محدب) کار شده است. کارهای زنجیره‌ای داریم، کارهای گره داریم و... . پیش رو هم پنجره‌ای گذاشته‌اند که سرتاسر دیوارش ا... و محمد(ص) است و آینه‌کاری».

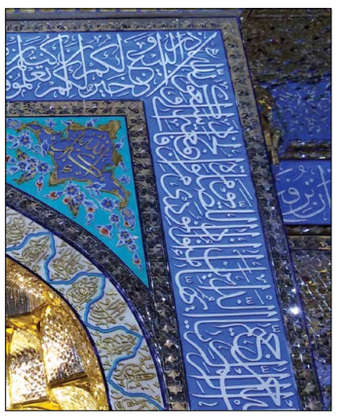

بزرگ‌ترین افتخارم ۵ ماه گچ‌بری در سرداب مقدس است

از «کریم‌آبادی» با این کارنامه هنری در حرم رضوی می‌پرسم که گچ‌کاری کدام بخش از حرم را که خودش انجام داده است، بیشتر دوست دارد که می‌گوید: «سال ۷۹ یا ۸۰ بود. تقریبا ۳ ماه در راهرو و پله‌های سرداب مقدس کار کردم. بعدش هم ۵۴ روز در خود سرداب برای گچ‌کاری مشغول شدم که تقریبا مجموع‌شان ۵ ماه می‌شود. از نظر خودم، بزرگ‌ترین افتخارات زندگی هنری من به همین زمانی برمی‌گردد که در سرداب مقدس کار کردم. ورودی سرداب مطهر که پله دارد و دور تا دورش آینه‌کاری شده، گچ‌کاری آن را من و دوستانم انجام دادیم. قاب‌بندی‌هایی شده که شمسه‌هایی برای اسماء ا... طراحی شده، آینه‌کاری شده و پایین آن یک حاشیه ۵۰ یا ۶۰ سانتی است که گچ‌بُری شده است. داخل راهرو که بروید سقف راهرو کارگره است، یک گره هشتی که حالت محرابی دارد که مناسب آن جاست و هیچ جای دیگر آن گره استفاده نشده است».

حرم امام رضا(ع) برایم با همه جا فرق دارد

از او می‌پرسم که آیا واکنش زائران امام هشتم(ع) به گچ‌بری‌هایش را هم دیده یا شنیده است که می‌گوید: «بله، خیلی‌ها را دیدم که در زمان حضور در این بارگاه ملکوتی، توجه‌شان به این گچ‌بری‌ها جلب شده و آن‌ها را تماشا می‌کنند. بیشتر تعریف و تمجید بوده اما برخی هم ایرادهایی گرفته و انتقادهایی داشتند که آن‌ها را شنیدیم. من سعی خودم را کردم که کارم هیچ ایرادی نداشته باشد اما هر فردی ادعا کند که کارش هیچ ایرادی ندارد، دروغ گفته است. کار بدون خطا فقط کار خداوند است. بالاخره انسان هر چه قدر هم تلاش بکند، کارش بدون ایراد و خطا نیست؛ اما گچ‌بری و طرح‌هایی که من در حرم انجام دادم، ثمره همه دقت، تجربه و تلاش‌هایم بوده است. همان‌طور که گفتم تمام کارهایم دلی بوده است و چون من انگار در بهشت کار می‌کنم، خدایی نکرده جایی برای کم گذاشتن باقی نمی‌ماند. من در این سال‌ها در مساجد، حسینیه‌ها و... هم زیاد کار کردم اما حرم امام رضا(ع) برای من با همه جا فرق دارد و به قول معروف، صد خودم را در این جا گذاشتم».

تخته زیرپایم شکست و همه فکر کردند قطع نخاع شدم

«کریم‌آبادی» خودش را مورد یکی از عنایت‌های امام رضا(ع) هم می‌داند و می‌گوید: «سال ۶۱، در گنجینه حرم کار می‌کردم. یکهو تخته زیر پایم شکست و از ارتفاع ۵ یا ۶ متری افتادم. من از پشت یعنی با کمر افتادم و دولا شدم. همه فکر کردند که قطع نخاع شدم چون کمرم از پشت دولا شده بود. دیگر چیزی یادم نیست چون نفسم بند آمده بوده تا این که یکهو نفسم به سختی بالا آمد. سپس من را سریع به دارالشفا بردند که آن زمان روبه‌روی مهمانسرای حر عاملی بود. بعدش هم بیمارستان رفتم و از من عکس‌برداری شد. اما نکته عجیبش این بود که فردای آن روز، من رفتم حرم و دوباره مشغول گچ‌بری شدم. حتی پزشکان می‌گفتند که منطقا با سقوط از آن ارتفاع، آن هم به پشت با کمر، باید قطع نخاع می‌شدم. من مطمئنم اگر این اتفاق در جایی غیر از حرم برایم می‌افتاد، قطعا قطع نخاع می‌شدم اما باور قلبی دارم حریم رضوی، جایی نیست که در آن رأفتی نباشد».

سلام به امام رضا(ع) برایم از همه چیز باارزش‌تر است

«من بالای ۵۰ سال است که در حرم امام رضا(ع) مشغول خدمت و کار در حوزه گچ‌بری هستم». او با این مقدمه ادامه می‌دهد: «کار برای امام رضا(ع) از عمرم حساب نمی‌شود. به محدوده حرم که نزدیک می‌شوم، انگار دنیایی وجود ندارد و وارد بهشت می‌شوم. من همین که روبه‌روی گنبد ایشان بایستم و سلام بدهم، برایم از هر چیزی در این دنیا باارزش‌تر است. برای من همین کافی است که در نزدیک‌ترین نقطه جغرافیایی به امام مهربان‌مان به او سلام دهم و عرض ادبی داشته باشم. در این جا برایم مهم است که کارم را بهترین شکل انجام بدهم و هدفم چیزی جز جلب رضایت امام هشتم(ع) نیست».

استاد فرشچیان دقت و وسواس زیادی روی کار داشت

از این گچ‌کار قدیمی درباره خاطراتش از همکاری با استاد فرشچیان می‌پرسم که می‌گوید: «ماجرای آشنایی و همکاری من با استاد فرشچیان مربوط به زمانی است که ایشان بر روی طراحی ضریح جدید کار می‌کردند و من ماکت آن را ساختم. سال ۶۸ بود که در گوشه صحن آزادی، ماکت آن را کار کردیم. سال ۷۱ یا ۷۲، استاد آمدند و دنبال یک گچ‌بر بودند که کاری را در حرم مطهر انجام بدهد. استاد فرشچیان، دقت و وسواس زیادی روی کار داشت. یک روز از طرف ایشان آمدند و گفتند که بگو فلان شاگردت بیاید، فرستادم. روز بعد، یک شاگرد دیگر. دست آخر، گفتند که خودت بیا. استاد فرشچیان تا من را دید، گفت اسمت چیست؟ گفتم عباس. گفت به جان اسمت قسم، اگر کار بلد نیستی، وارد این اتاق نشو. بعدش هم گفت تا حالا چندین گچ‌بر آمدند، آن کاری که من می‌خواهم نتوانستند انجام بدهند و رفتند. از تهران و اصفهان هم گچ‌بر آمدند که ادعای استادی داشتند، آن‌ها هم نتوانستند. یادم هست که اتفاقا یکی از کارهایی که من انجام داده بودم، قاب شده بود و در همان اتاق بود. به استاد فرشچیان گفتم که من کار بلد نیستم ولی آن تابلویی که می‌بینید و روی دیوار است، هنر دست خودم است. تا استاد فرشچیان آن تابلو را دید، تحسینم کرد، سپس بغلم کرد و گفت پس بیا کار را سریع شروع کنیم. سپس طرحی را که روی کاغذ کشیده بود، به من داد تا با گچ برایش اجرا کنم و سپس مورد تایید ایشان و تولیت آن زمان قرار گرفت و اجرا شد».